

## Modernity and the Rising Age of Marriage

tahamasbeh aliporanyeh<sup>1</sup>

farideh vakilyeh<sup>۲</sup>

Despite the fact that the Iranian people have a rich national and religious background and context in the matter of marriage, and a set of components such as timely action and continued protection of this social institution have been and are significant among members of society; However, the present study, based on statistics and figures, concludes that firstly, we are faced with the problem of delay in getting married at an early age and secondly, the premature collapse of the family institution in Iran, which is influenced by individual, social factors, and some administrative and governmental obstacles and can be resolved. The research method is hermeneutics and the framework is the model of understanding the issues considered by Quentin Skinner.

77

### Keywords

Marriage, individual barriers, social barriers, governmental barriers, modern sexual morality

---

Associate Professor of Political Science and member of the academic staff of Razi University<sup>1</sup>

t.alipour@yahoo.com

Master of Political Science, Razi University<sup>۲</sup>

Fvakili۶۰.Gmail@-com

## مدرنیته و بالا رفتن سن ازدواج

طهماسب علیپوریانی<sup>۳</sup>

فریده وکیلی<sup>۴</sup>

### چکیده

علی‌رغم آنکه مردم ایران از پیشینه و بسترهای غنی ملی مذهبی در امر ازدواج برخوردارند و مجموعه مؤلفه‌هایی چون اقدام به موقع و استمرار صیانت از این نهاد اجتماعی در میان آحاد جامعه قابل توجه بوده و هست؛ اما پژوهش حاضر به استناد آمار و ارقام بر آن است که اولاً با مسئله تأخیر در اقدام به ازدواج به موقع و ثانیاً فروپاشی زود هنگام نهاد خانواده در ایران مواجه‌ایم که عوامل فردی، اجتماعی و برخی موانع اجرایی و حکومتی در این خصوص مؤثر بوده و قابل چاره‌جویی است. روش پژوهش هرمنوتیک و چارچوب الگوی فهم مسائل مورد نظر کوئینتین اسکینر می‌باشد

78

### واژگان کلیدی

ازدواج، موانع فردی، موانع اجتماعی، موانع حاکمیتی، اخلاق جنسی نوین

<sup>۳</sup> استاد یار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی . t.alipour@yahoo.com  
<sup>۴</sup> کارشناس ارشد علوم سیاسی ، دانشگاه رازی، com@Fvakili60.Gmail

## مقدمه

از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرارداد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر کنند<sup>۵</sup>

اساساً زوجیت بنیادی الهی دارد و قانونی است عمومی که گستره‌ی هستی را در بر گرفته است. آنچه در خلقت انسان اصالت دارد زوجیت است نه تجرد (تنها زیستن). بر همین اساس دین مبین اسلام به ازدواج به عنوان یک اصل اساسی تأکید کرده است. ازدواج به عنوان یک امر ارزشی، به وجود آورنده‌ی مطمئن‌ترین و آرامش‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغاز زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. نکاح در لغت به معنای ۱- زناشویی بستن ۲- زناشویی کردن ۳- زناشویی ۴- امتزاج طبایع بعضی با بعضی که موجب پدید آمدن موالید گردد و در اصطلاح حقوقی، نکاح رابطه‌ای است حقوقی-عاطفی که به وسیله‌ی عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند (صالحی، ۱۳۸۵، ۱۵۰-۱۳۵). به عبارتی خانواده به وسیله‌ی عقد ازدواج بین مرد و زنی که کلیه‌ی جوانب و تشریفات مذهبی، رسمی و اجتماعی در آن منظور شده است، بنیان‌گذاری می‌شود. از دیدگاه اسلام ماهیت ازدواج یک قرارداد و پیمان با شرایطی ویژه است. این پیمان و قرارداد افزون بر اینکه از استحکام خاص برخوردار است، «میثاقاً غلیظاً»<sup>۶</sup>، دارای ارزش و منزلت الهی و خدایی ویژه است و در سطح دیگر قراردادهای اجتماعی قرار نمی‌گیرد تا صرفاً از قواعد عمومی آن قراردادها پیروی کند (زیتتی؛ ۱۳۸۴: ۲۲۷-۱۹۷). اما امروزه این امر مقدس و حیاتی، تحت شعاع مسائل دیگری قرار گرفته است و با رشد اندیشه‌های اومانیستی و انسان‌گرایانه و مبنا قرار گرفتن خواست و اراده‌ی انسان به جای خواست خداوند، در امر ارزش‌گذاری، این نیاز فطری بشر در حصار از قواعد سخت محبوس و زندانی شده، تا آنجا که جوانان برای گریز از این قواعد به ارضاء غریزه جنسی در خارج از چارچوب ازدواج تن می‌دهند و بدین وسیله نهاد خانواده را متزلزل می‌کنند و سلامت اخلاقی و آرامش روانی جامعه را به خطر می‌اندازند. بر اساس آخرین آمار که تاکنون به دست ما رسیده، ۱۴/۵ میلیون مجرد در ایران وجود دارد. مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، آخرین آمار مربوط به افراد در سن ازدواج که هرگز ازدواج نکرده و افراد در خطر تجرد قطعی را تشریح می‌کند. علی‌اکبر محزون در گفتگو با خبرنگار «شهری» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با اشاره به اینکه افراد در سن ازدواج، شامل طیف سنی ۲۰ تا ۳۴ برای آقایان و ۱۵ تا ۲۹ برای خانم‌ها می‌شود، اظهار کرد کلیه آقایان در سن ازدواج با طیف سنی ۲۰ تا ۳۴ سال، شامل ۱۲ میلیون و ۷۰ هزار نفر که از این تعداد ۵ میلیون و ۵۷۰ هزار نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند، وی افزود بنابراین ۴۶ درصد آقایان در سن ازدواج هرگز ازدواج نکرده‌اند. مدیرکل آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، همچنین با بیان اینکه خانم‌های در سن ازدواج با طیف سنی ۱۵ تا ۲۹ سال شامل ۱۱ میلیون و ۷۹۰ هزار می‌شود، گفت: از این تعداد ۵ میلیون و ۶۷۰ هزار خانم که هرگز ازدواج نکرده، محزون ادامه داد؛ بنابراین ۴۸ درصد خانم‌های در سن ازدواج، هرگز ازدواج نکرده و در ادامه به آمار مربوط به کلیه افرادی که در خطر تجرد قطعی قرار گرفته و در طیف سنی بعد از ۳۴ سال برای

<sup>۵</sup> (روم: ۲۱)<sup>۶</sup> (نساء: ۲۱)

آقایان و پس ۲۹ سال برای خانم‌ها تا سن ۵۰ سالگی قراردادند، اشاره کرد و افزود تعداد ۳۲۰ هزار نفر آقا و تعداد ۹۸۰ هزار نفر خانم از سن متعارف ازدواج عبور کرده و در خطر ورود به سن مجرد قطعی قرار دارند. وی در ادامه این گفتگو، اشاره کرد و گفت: ۶۲ هزار آقا و ۹۰ هزار خانم در کشور وجود دارند که تا سن ۵۰ سالگی ازدواج نکرده‌اند، که مجموعاً ۱۵۲ هزار نفر می‌باشند. همچنین ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در اثر فوت همسر به صورت مجرد در حال زندگی هستند. و ۲۱۴ هزار نفر از آقایان و ۴۴۰ هزار خانم‌ها بر اثر طلاق به صورت مجرد زندگی می‌کنند، بنابراین به گفته مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، کلیه ازدواج نکرده‌ها در کشور، در سه گروه، افراد در سن ازدواج که هرگز ازدواج نکرده‌اند، افراد در خطر مجرد قطعی، و افراد در سن مجرد قطعی، برابر است با ۱۲ میلیون و ۶۶۲ هزار نفر و در مجموع ۱۴ میلیون و ۶۶۲ هزار نفر آمار کلیه مجردین در کشور است (خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، ۱۳۹۳). در سال ۹۰ بیشترین میزان ازدواج در کل کشور به ترتیب به استان‌های اردبیل و خراسان شمالی با رقم ۱۵ در هزار و کمترین مقدار در کل کشور به استان تهران با رقم ۸/۴ در هزار تعلق دارد.

بر اساس آخرین آمار ازدواج در سال ۹۴، از ابتدای سال تا پایان دی ماه بالغ به ۷۲۰ هزار ازدواج در کشور ثبت شده است که میانگین سن ازدواج در دختران و پسران به ترتیب ۲۳ و ۲۸ سال بوده است. آمار ازدواج در سال‌های ۵۰-۸۵ سیر صعودی داشته و از سال ۸۵ تا ۹۴ سیر نزولی داشته و از هر هزار ازدواج دختران، ۲۱ ازدواج در سن ۱۵ تا ۱۹ سالگی صورت گرفته و در هر هزار ازدواج پسران، ۲/۲ ازدواج در این محدوده صورت می‌گیرد (که نشان‌دهنده بالا رفتن سن ازدواج است) (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵).

همچنان که بیان شد بر اساس رویکرد اسلامی ازدواج یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضاء غریزه جنسی می‌باشد. سلامت اخلاق جنسی یک جامعه نسبت متقابلی با فراهم بودن امکانات ازدواج برای افراد آن جامعه دارد؛ زیرا در دنیای امروز با شکسته شدن دیوارها و مرزها، افراد در معرض پیام‌های متفاوت و متناقض با فرهنگ خود قرار دارند و این عوامل همراه با ضعف انسان در مقابل غریزه جنسی ممکن است افراد را به سمت شکستن هنجارهای فرهنگی و حدود الهی بکشاند. اما می‌خواهیم بدانیم چه عواملی باعث شده‌اند که گرایش به ازدواج به عنوان یک سنت حسنه و یک اصل اساسی در زندگی، دچار مشکل شده و توانایی جوانان ایرانی برای ازدواج را سلب نموده است؟ در این جا ما برای تحلیل این معضل، عواملی که باعث کاهش گرایش به ازدواج شده‌اند را در ابعاد فردی، اجتماعی، حاکمیتی و اجرایی که تحت تأثیر حیات مدرن است را مورد بررسی قرار می‌دهیم که به شرح هر کدام از این علل می‌پردازیم:

#### ۱- عوامل فردی

##### ۱-۱) بیکاری و عدم استقلال اقتصادی

یکی از مشکلاتی که جوانان با آن روبرو هستند؛ مسئله استقلال اقتصادی است. محمد رضوی در این رابطه بیان می‌دارد که جوانان امروز نسبت به پیشینیان در شروع قرن بیستم به مراتب کمتر بالغ هستند و آشکارا از آن‌ها در تمام زمینه‌ها از قبیل رفتار جنسی، دوست داشتن، ازدواج، آموزش و کار بدنی متفاوت هستند. جوانان امروزی از لحاظ جنسی زودتر بالغ می‌شوند و از لحاظ اقتصادی در زمان طولانی‌تری به بلوغ می‌رسند. (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳). ورود زنان به

بازار کار جهت کسب استقلال مالی، ورود تکنولوژی و کاهش اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، مهاجرت بی‌رویه مردان به شهرها به دلیل جاذبه‌های شهری و بیکاری در روستا، رکود اقتصادی، تغییر در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، افزایش جمعیت به ویژه جمعیت جوان جامعه و ... افزایش میزان بیکاری را سبب شده که این نیز بر کاهش ازدواج تأثیر گذارده است.

### ۲-۱) پیامدها و معضلات ادامه تحصیل

همزمان با دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و گذر از دنیای سنتی به دنیای مدرن و به تبع آن افزایش آموزش‌های عمومی و نیاز به کسب تخصص در یک حرفه خاص با توجه به بازار به شدت رقابتی، کار به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است و به دلیل زمان‌بر بودن تحصیلات عالی برای کسب تخصص و در مقابل عدم ظرفیت کافی برای اشتغال در رشته‌ی مورد نظر و نیاز به کسب مدارج علمی بالاتر و پس‌انداز این‌ها، استقلال مالی دیررس، باعث افزایش سن ازدواج و عدم گرایش به تشکیل خانواده شده است.

نیک‌منش و کاظمی در رساله ۱۳۸۵ در تحقیقی با عنوان «علل و راه‌حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان»، به بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج جوانان پرداخته‌اند، ۱۲۰ نفر از جامعه آماری این تحقیق که دختران بالای ۲۵ سال و پسران بالای ۲۷ سال ساکن شهر زاهدان صورت گرفته، نتایج این تحقیق نشان داد که فرصت‌های ازدواج برای دختران دارای تأخیر در ازدواج نسبت به پسران بیشتر بوده و دختران مهم‌ترین دلیل ازدواج نکردن خود را نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل عنوان کرده‌اند (طیبی‌نیا، موسی، ۱۳۹۳: ۸۶-۶۳). از طرفی ادامه تحصیل دختران، باعث بالا رفتن تحصیلات دختران نسبت به پسران و همین مسأله به نوبه خود باعث کاهش ازدواج می‌شود؛ از طرفی بعضی معتقدند که ازدواج باید بعد از تحصیلات صورت گیرد که این مسأله باعث از دست دادن موقعیت‌های مناسب علی‌الخصوص در مورد دختران می‌شود (بانکی، مؤسسه تحقیقات اهل بیت، ۱۳۹۳).

### ۳-۱) تغییر معیارهای ازدواج

در گذشته خانواده‌ها براساس زندگی بسیط و شناختی که از یکدیگر داشتند، متناسب با وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود برای فرزندان‌شان همسر انتخاب می‌کردند و در این میان فرزندان انتخاب خانواده را می‌پذیرفتند، به عبارت دیگر در گذشته انتخاب‌ها والد محور بوده اما در دنیای امروز معیارهای ازدواج تغییر کرده است و ازدواج‌ها ماهیتی فرد محور پیدا کرده‌اند، یا در حالت اعتدالی ماهیتی والد محور و فرد محور، به هر حال امروزه جوانان قبل از هر چیز دنبال یافتن یک هم‌فکر هستند که از جهات مختلف با او هم سطح باشد. بر این اساس تمایل به ازدواج بر اساس عشق، انتخاب آزاد همسر، بالا رفتن توقعات و سختگیری در انتخاب همسر، در پی مطرح شدن فردیت اهمیت پیدا کرده که گاهی اوقات بر اثر عدم پیدا کردن فرد مناسب منجر به کاهش میزان اقدام به ازدواج می‌شود (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳).

## ۴-۱) مشکلات خانوادگی

یکی از دلایلی که برخی از جوانان مطرح می‌کنند بیماری یا پیری والدین یا یکی از آنهاست که نیازمند مراقبت و پرستاری هستند و همچنین فوت یا از دست دادن والدین و برعهده گرفتن بار تکفل خانواده و همچنین تجربه طلاق و اختلاف والدین و بدبینی‌های حاصل از آن، اعتیاد والدین و سابقه انحرافات اخلاقی و سابقه بزهکاری و حبس والدین و تأثیر آن بر سرنوشت جوانان را می‌توان نام برد (بانکی، مؤسسه تحقیقات اهل بیت، ۱۳۹۳).

## ۵-۱) توهمات و عدم صلاحیت جوانان

گاه آنچه به عنوان مانع در مورد ازدواج مطرح می‌شود مشکلات عینی در ازدواج نیست بلکه ریشه در ساختار شخصی و روانی افراد یعنی توهمات افراد دارد این توهمات بر اثر عواملی مثل تحت تأثیر قرار گرفتن جوانان از تجربیات ناموفق خود در گذشته یا تجربیات ناموفق دیگران و ایجاد بدبینی نسبت به جنس مخالف، و از طرفی این طرز تفکر که فرد مناسب ایده‌آلی نیست، و رؤیایی بودن جوانان و عدم توجه واقع‌بینانه نسبت به خود، تردید در ازدواج و تشکیل خانواده، ترس و نگرانی از ناموفق بودن ازدواج، عدم توانایی در ابراز علاقه به فردی که به عنوان همسرانتخاب خواهد شد، ترس از برخورد با جنس مخالف، نیافتن فرد مورد علاقه، نداشتن اعتماد به نفس برای تشکیل خانواده، وسواس در انتخاب همسر و توجه افراطی به شکل ظاهری همسر، داشتن بیماری یا نقص جسمانی، احساس آرامش از زندگی مجردی و اعتقاد به این قضیه که ازدواج یعنی اسارت، داشتن مشکلات روانی و همچنین سرکوب نیازها و غرایز و ایجاد دلمردگی و عدم رغبت به ازدواج با بالا رفتن سن، ایجاد می‌شود (طیبی‌نیا، موسی، ۱۳۹۳: ۸۶-۶۳).

## ۲- عوامل اجتماعی

## ۱-۲) تحول خانواده

ما امروز بر فرازی از تاریخ ایستاده‌ایم که انسان از گذرگاه‌های تاریخی مهمی عبور کرده است. گذر از زندگی صیادی به زندگی کشاورزی، گذر از زندگی کشاورزی به زندگی مدرن و صنعتی و گذر از زندگی مدرن به زندگی پست مدرن و عصر ارتباطات و رایانه‌ها. این تحولات، ساختارهای اجتماعی را دچار دگرگونی و تغییر و تحول نموده است. در این میان نهاد خانواده نیز از این امر مستثنی نبوده و هم پای سایر نهادها دچار تغییر و تحول شده است. از جمله تغییرات اساسی که در خانواده رخ داده است می‌توان به گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای اشاره کرد. این گذر باعث دو تغییر اساسی در این نهاد شده است که عبارتند از:

الف) تغییرات کمی: تغییرات کمی مبتنی بر کاهش تعداد اعضای خانواده و فرزندآوری است، بدین صورت که در خانواده‌ی گسترده همه‌ی اعضای یک خانواده یعنی پدر بزرگ، مادر بزرگ، والدین و فرزندان حتی بعد از ازدواج در کنار هم زندگی می‌کردند، اما در خانواده‌ی هسته‌ای فقط والدین با فرزندان، آن هم حداکثر دو فرزند و تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند و به محض تشکیل زندگی مشترک از هم جدا می‌شوند.

ب) تغییرات کیفی: تغییرات کیفی مبتنی بر شکستن ساختار قدرت در خانواده است. بدین صورت که در خانواده گسترده ساختار قدرت عمودی و سلسله مراتبی بوده، اما در اینجا ساختار قدرت افقی است و همه افراد تلاش می‌کنند که در قدرت خانوادگی سهیم باشند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. بنابراین تغییر و تحول خانواده در دو بعد کمی و کیفی تأثیر بسزایی در گرایش به ازدواج دارد، به عنوان مثال در خانواده گسترده که متعلق به دوران کشاورزی است، برای ازدواج شرایطی همچون پیدا کردن شغل و مناسب مطرح نبود؛ زیرا فرزندان همواره با پدر مشغول کشاورزی و دامداری می‌شدند و بعد از ازدواج نیز در خانه پدر ساکن بودند؛ یعنی به نوعی پدر مکانی رواج داشته است. اما در خانواده هسته‌ای دیگر چنین چیزی جاری نیست، والدین هر کدام در جایی مشغول به کارند و فرزندان نیز باید به کسب تخصص لازم برای یافتن شغل مناسب بپردازند و بعد از متأهل شدن باید سرپناه جدیدی را برای خود جستجو کنند. به عبارت دیگر گسترش نو مکانی رواج پیدا کرد. بنابراین این گذر و تحول خانواده باعث شده که جوانان در دستیابی به استقلال اقتصادی دچار مشکل شوند و در نتیجه گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده کاهش پیدا کند. از سوی دیگر با تحول خانواده از حالت گسترده به هسته‌ای، الگوهای ازدواج نیز تغییر کرد و افراد دیگر حاضر نبودند به ازدواج‌هایی که قبلاً والدین برای آنها ترتیب می‌دادند تن بدهند، زیرا برای افراد عشق و دوست داشتن، آشنایی پیش از ازدواج و شناخت کافی از یکدیگر و سایر معیارهای فردی اهمیت فراوانی یافته است. اعزازی در این رابطه بیان می‌دارد: «در خانواده گسترده، همسرگزینی از طریق مبادله دختر و پسر، پیوند دو خانواده را به وجود می‌آورد، به همین سبب همسرگزینی در اختیار خانواده بود نه در اختیار فرد، با پیدایش نظام جدید (خانواده هسته‌ای) همسرگزینی از اختیارات خانواده خارج شد و اختیاری-فردی شد و همسرگزینی آزاد پدید آمد. در همسرگزینی آزاد، محرک انتخاب همسر عشق رمانتیک است و با انتخاب همسر به دلیل عاشق بودن در نظام خانوادگی این توقع در کار است که زن و شوهر تعهدی دارند تا عاشق یکدیگر شوند» (اعزازی، ۱۳۸۵، ۱۹۰-۱۶۸).

## ۲-۲) گسترش شهرنشینی

همزمان با ورود به دنیای صنعتی و احداث کارخانه‌ها، افراد برای دستیابی به درآمد و رفاه بیشتر و همچنین برخورداری از امکاناتی که در شهرها تمرکز یافته بود، به مهاجرت از روستاها به شهرها پرداختند. از سوی دیگر رشد شهرنشینی مصرف‌گرایی را با خود به همراه آورد؛ زیرا کارخانه‌ها با مازاد مصرف روبرو شدند و تبلیغات بازاریابی را برمبنای روان‌شناسی افراد به راه انداختند و خود به خود جامعه و به تبع آن خانواده را به سمت مصرف‌گرایی سوق دادند، در این باره نویسنده‌ای در دهه‌ی ۱۳۵۰ ه.ش بیان می‌دارد: «روز به روز شکایت زنان از محرومیت‌های مادی بیشتر به گوش می‌رسد، علت این شکایت‌ها نه پایین آمدن درآمد خانواده، بلکه ناشی از خصوصیات جامعه مصرفی است. جامعه‌ای که همه ارزش‌ها و تمتعات مادی را طلب می‌کند؛ مصرف زده است. امروز جامعه‌ی ما گسترش مصرف بی‌امانی را آغاز کرده‌است. مسابقه‌ای تا دم مرگ و تنها برای توفیق‌های مادی، شرکت ناگزیر خانواده‌ها در این مسابقه افراد را بسیار مشوش و فرسوده می‌سازد و آنان را از توجه به ارزش‌های معنوی باز می‌دارد، عواطف را بی‌رنگ‌تر می‌سازد و به همبستگی‌ها جنبه مادی می‌بخشد. بنابراین نمایش‌نامه‌ای با این محتوی که مال من از مال تو بهتر است به وجود آمد و عملاً خانواده‌ها وارد رقابت

بی‌پایان مصرف‌گرایی شدند. این عامل باعث افزایش هزینه‌های جانبی ازدواج همچون برگزاری جشن عروسی، تهیه‌ی جهیزیه گرانبها و سایر موارد دیگر شد که این عامل نیز باعث کاهش تشکیل خانواده شد (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳).

۳-۲) تغییر تحولات جمعیتی در ایران و عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران با نگاهی کلی به متوسط نرخ رشد جمعیت کشور طی چهار دهه اخیر مشاهده می‌شود که رشد جمعیت در ایران با تغییرات قابل توجهی همراه بوده است. جدول شماره یک، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشور را در مقاطع انجام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ را نشان می‌دهد.

جدول شماره یک

دوره	متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت
۱۳۳۵-۴۵	۳/۱
۵۵-۱۳۴۵	۲/۷
۶۵-۱۳۵۵	۳/۹
۷۰-۱۳۶۵	۲/۵
۷۵-۱۳۷۰	۱/۵

(جعفری، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳)

جدول شماره یک متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۷۵ را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که تحولات جمعیتی در ایران طی چند دهه گذشته از الگوی یکنواختی تبعیت نکرده و دارای فراز و نشیب قابل توجهی بوده است. با بررسی و مقایسه متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در ایران و دیگر کشورهای جهان مشاهده می‌شود که ایران در دوره ۱۳۵۵-۶۵ یکی از بالاترین نرخ‌های جمعیت را میان کشورهای جهان تجربه کرده است. البته روند افزایش شدید جمعیت در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی از سال ۱۳۵۸ آغاز شده است. در این مقایسه برای اینکه بتوانیم مقایسه سال‌ها و سن افراد را ساده‌تر انجام دهیم آمار و اطلاعات را بر اساس دهه تفکیک کرده‌ایم. بر اساس هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۷۵، که در مقطعی رشد جمعیت با سرعت زیاد افزایش یافته است، به طوری که قاعده هرم جمعیت ایران شکسته شده و به سمت کوچک شدن پیش رفته است نرخ رشد بالای جمعیت در ایران طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ منجر به افزایش قابل توجه جمعیت این دوره شده است به طوری که جمعیت ۳۴ میلیون نفری ایران در سال ۱۳۵۵ برای سال ۶۵ به بیش از ۴۹ میلیون نفر افزایش یافته (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳). این افزایش جمعیت به شکل‌های گوناگون نظام اقتصادی - اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. افزایش جمعیت ایران در دهه ۶۵-۱۳۵۵ که عمدتاً

از افزایش موایلد ناشی شده است، در سال‌های اولیه تأثیر خود رابه صورت افزایش هزینه‌های تحمیل شده به بخش بهداشت و درمان نشان داد. این فشار هزینه‌ای به صورت افزایش هزینه‌های مربوط به خدمات پزشکی، بهداشتی و تغذیه نوزادان و کودکان بود به همین دلیل اولین نهادی که به صورت جدی، بحران افزایش جمعیت و لزوم کنترل آن را مطرح کرد وزارت بهداشت بود.

پس از آنکه این جمعیت انبوه، سال‌های خردسالی را طی کرد و به سنین ورود به مدرسه رسید، فشار هزینه‌های خود را به صورت افزایش هزینه‌های تحمیل شده به بخش آموزش و پرورش نشان داد به طوری که در مقاطعی از زمان، مهم‌ترین معضلی که ذهنیت کل جامعه را به خود مشغول کرده بود، کمبود فضای آموزشی موجود در کشور بود، با حرکت سنی این انبوه جمعیتی و بالا رفتن سن آن‌ها، بحران کمبود امکانات آموزشی به تدریج به مقاطع بعدی تحصیل منتقل شد. پس از آن این فشار هزینه‌ای به صورت افزایش جوانان بیکار جویای کار به نظام اقتصادی - اجتماعی کشور وارد شد به طوری که هم اکنون مشکل بیکاری مهم‌ترین دل‌مشغولی دولت و به نوعی کل جامعه است. از سوی دیگر فشار ناشی از این تحول جمعیتی در کنار برخی عوامل دیگر به صورت افزایش تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌ها و تقاضای آموزش عالی نیز بروز یافته است. این جمعیت انبوه دهه ۶۵-۵۵ به عنوان یک عامل اولیه و مستقل فارغ از تأثیرپذیری از عوامل گوناگون منجر به بروز اختلال در وضعیت ازدواج در جامعه هم شد، همانطوری که قبلاً اشاره شد بر اساس تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر در ایران به ویژه دهه ۶۵-۵۵، ساختار سنی - جنسی جمعیت به طور قابل توجهی تغییر کرده است، این تغییر ساختاری جمعیت در ایران، پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی متعددی را به دنبال داشته است که در مقاطع زمانی گوناگون به شکل انواع مشکلات اقتصادی - اجتماعی خود را به جامعه تحمیل کرده است. یکی دیگر از این پیامدها که هم اکنون ما شاهد بروز آن هستیم، ایجاد نوعی عدم تعادل در تعداد پسران و دخترانی است که در سنین ازدواج قرار دارند؛ زیرا اولاً از یک طرف افزایش جمعیت در این دهه به طور قابل توجهی بارز بوده است و از طرف دیگر سن ازدواج دختران کمتر از پسران است، بنابراین به فرض وجود اینکه حتی تعداد پسران و دختران از نظر تعداد برابر باشند چون سن ازدواج دختران کمتر از پسران است و همچنین تمایل پسران به ازدواج با دختران جوان‌تر از خود، ناخودآگاه این عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران به وجود آمد. عدم تعادل در وضعیت ازدواج عمدتاً در قالب مربوط به تنگنای ازدواج در ادبیات جمعیت‌شنای ارائه شده است. این مطالب به عدم تعادل در تعداد زنان و مردان موجود در سنین ازدواج مربوط می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که اگر در یک کشور با جمعیت در حال افزایش مردان با زنان جوان‌تر از خود ازدواج کنند، نوعی عدم تعادل در وضعیت ازدواج در آن کشور به وجود می‌آید و این مسئله‌ای بود که گریبان‌گیر جامعه ایران شد (جعفری مزدهی، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳).

طبق اطلاعاتی که از مرکز آمار در سال ۹۴ منتشر شده تعداد مردان یک میلیون و اندی بیشتر از تعداد زنان است (خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، ۱۳۹۳). اما آنچه که در اینجا حائز اهمیت است میانگین سن ازدواج زن و مرد و متوسط اختلاف سن ازدواج بین مرد و زن است که این شرایط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و این اختلاف سن ازدواج دختر و پسر، باعث ایجاد مازادی از دختران خواهد شد که در آینده دیگر شانس برای ازدواج ندارند. جدول شماره دو، دختران ۱۰ تا ۲۰ ساله که طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ (باتوجه به متوسط اختلاف سن ازدواج)، ازدواج نخواهند کرد را نشان می‌دهد.

جدول شماره دو

تعداد	درصد	عخترازی که ازدواج نخواهند کرد متوسط اختلاف سن ازدواج
۱۲۵۴۳۸۵	۱۸/۶	سه سال
۱۶۶۰۶۶۱	۲۹/۳	چهار سال

مشاهده می‌شود که تعداد دختران مجرد و بدون شانس ازدواج طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ در حالت اول (متوسط اختلاف سن ازدواج برابر سه سال) ۱۴/۶ درصد و در حالت دوم (متوسط اختلاف سن برابر چهار سال) ۱۹/۳ درصد از دختران این دوره سنی است که ظاهراً شانسی برای ازدواج ندارند؛ البته اگر اختلاف سنی دختران و پسران از ۳ و ۴ سال به ۲ و ۱ سال و یا حتی هم سن هم برسد این معزل عدم تعادل جمعیتی در وضعیت ازدواج حل خواهد شد و این نیازمند تبلیغات رسانه‌ای همچون ازدواج با همسالان است که خوشبختانه این مسئله برای بسیاری از مردم جامعه خالی از اشکال است، اما در مرحله عمل این مسئله یعنی عدم تعادل جمعیتی در کنار عوامل دیگر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرات خود را در بالا بردن سن ازدواج داشت (جعفری مذهبی، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳).

### ۳- عوامل فرهنگی

#### ۳-۱) گسترش اخلاق جنسی نوین

در ارتباط با گزینه‌ی جنسی رویکردهای مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

۱. رویکرد مبتنی بر رهبانیت یا اخلاق جنسی کهن

۲. رویکرد مبتنی بر آزادی جنسی یا اخلاق جنسی نوین

۳. رویکرد اسلامی

پایه و بنیان رویکرد رهبانیت یا اخلاق جنسی کهن مبتنی بر پلیدی غریزه جنسی، ریاضت‌طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتعات و لذت‌دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است. آیین «برهمایی» (۸ق)، «آیین جانبی» (۶ق.م)، آیین بودایی (۶ق.م) در هند، آیین تائوئیسم در چین، آیین مانی (۲۴۰م) در ایران باستان؛ «سنی سیسم» یا «کلیون» در یونان؛ «اسینه» (۲ق.م) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح، نمونه‌هایی از این رویکرد هستند.

در رویکرد مبتنی بر آزادی روابط جنسی یا اخلاق جنسی نوین، اعتقاد بر این است که عدم ارضاء غریزه جنسی بر اثر عوامل و محدودیت‌های بیرونی و عوامل اخلاقی و مذهبی، به ویژه اخلاق جنسی کهن، باعث به وجود آمدن بیماری‌های روحی و روانی همچون هیستریک و عقده‌های روانی می‌شود و معتقدند با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی و پزشکی در قرن معاصر، همچون استقلال مالی زنان و گسترش نهضت‌های آزادی‌خواهی زنان، پیشرفت‌های پزشکی و به تبع آن گسترش وسایل پیشگیری از حاملگی، افزایش سهم دولت در نگهداری و آموزش کودکان، اخلاق جنسی نوین را پی‌ریزی کردند. این گروه معتقدند تجدید نظر در اخلاق جنسی یکی از نیازهای حیاتی زمان به حساب می‌آید. نقطه شروع این رویکرد از دوره رنسانس به بعد است و در نهایت در قرن بیستم به اوج خود رسید. از بانیان و متفکران این اخلاق جنسی می‌توان از «مارکس» (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، «انگلس» (۱۸۲۰-۱۸۹۵)، «فرید» (۱۹۳۹-۱۸۵۶)، «راسل» (۱۸۷۲-۱۹۷۰) نام برد. اما رویکرد اسلام به غریزه جنسی مبتنی بر دوری از افراط و تفریط است. در این رویکرد، گفتمان‌حاکم بر امور جنسی، از نوعی اخلاق جنسی تبعیت می‌کند که مبتنی بر عفاف، حجب و حیا و تقوا و خویش‌داری و تعادل و صداقت و پاکدامنی در دو بعد جسمی و روانی است (طاهرپور، باغلی، ۱۳۸۶: ۲۲۲). از سوی دیگر اسلام تلاش می‌کند امور جنسی را به کانون خانواده بکشاند و جامعه را از هرگونه تحریکات جنسی مبرا و پاک کند و آن را محلی برای فعالیت سازنده و مثبت قرار دهد. از نظر اسلام هر نوع اخلاق جنسی، آداب و رسوم و مقررات اجتماعی که در صدد امحاء، سرکوبی، تقبیح این‌گونه غرایز و تمایلات در وجود انسان را رد می‌کند و برای اثبات این مدعا می‌توان به منطبق قرآن مراجعه کرد، خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن، انسان‌ها را به بهره‌گیری از لذت‌های مادی و نعمت‌های الهی دعوت نموده است. «و در آنچه خدا به تو داده سرای آخرت را بطلب، و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن»<sup>۷</sup>. یا این آیه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد تجاوز ننمایید، زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد<sup>۸</sup>.

اسلام برخلاف مسیحیت و برخی آیین‌ها که عزوبت را بر تأهل برتری داده، به حدی افراد امت خود را به زناشویی ترغیب و تشویق نموده که در آن، هیچ امر اجتماعی مستحب‌تر و پسندیده‌تر از ازدواج و ایجاد نسل و بقای نوع نیست. در نهایت اینکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خدا مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است؛ بلکه مرا برای شریعتی آسان و با گذشت فرستاده (باقری، ۱۳۸۰: ۱۵۰-۱۳۲). در نقد دیدگاه «اخلاق جنسی نوین» یا آزادی جنسی، باید گفت که آزادی مورد نظر اسلام، آزادی معنوی است. در رابطه با آزادی معنوی، دکتر مطهری بیان می‌دارد: آزادی معنوی برخلاف آزادی اجتماعی، آزادی انسان از خودش است. آزادی اجتماعی، آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر. ولی آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است و در واقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۲). در ارتباط با جامعه ایرانی با توجه به اینکه ایران کشوری است که در حال گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن است و با توجه به کم رنگ شدن اعتقادات دینی در میان جوانان ایرانی، ما به نوعی شاهد گسترش اخلاق جنسی نوین در میان جوانان هستیم؛ که این امر زمینه کاهش انگیزه برای ازدواج و تشکیل خانواده را به وجود می‌آورد. امروزه ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که برخورد

<sup>۷</sup> (قصص: ۷۷)<sup>۸</sup> (مائده: ۸۷)

و تماس بین دختر و پسر امری اجتناب‌ناپذیر است و عملاً جدا کردن این دو جنس از یکدیگر غیرممکن است. اما خارج از روابط اضطراری یا اجتناب‌ناپذیر، نوع دیگری از روابط بین دختران و پسران وجود دارد که از آن می‌توان به عنوان روابط دوستانه‌ی بین دو جنس یاد کرد. میزان فراگیری این نوع روابط بر اساس تحقیقی که در این زمینه صورت گرفته است بیانگر آن است که ۶۳/۱ درصد پسران و ۷۰ درصد دختران خود تجربه رابطه با جنس مخالف را داشته‌اند. این افراد کنجکاوی و ویژگی‌های طبیعی انسان را به عنوان مهم‌ترین دلایل برای برقراری رابطه مطرح کرده‌اند. این افراد رابطه خود را از نوع رابطه دوستانه رسمی و بسیار نزدیک بیان نموده‌اند. همچنین این افراد سطح رابطه را بیشتر کلامی و یا هر نوع رابطه‌ای مشروط به اینکه به رابطه جنسی ختم نشود، را ترجیح می‌دهند. و از میان ۳۹/۱ درصد از پسرانی که رابطه نداشته‌اند، ۴۶/۷ درصد آن‌ها مهم‌ترین علت را پیدا نکردن فرد مناسب مطرح نموده‌اند، همچنین از میان ۳۰ درصد از دخترانی که رابطه نداشته‌اند، ۶۲/۵ درصد از آن‌ها نیز مهم‌ترین علت را پیدا نکردن فرد مناسب ذکر کرده‌اند (طاهرپور، باغگلی، حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

آنچه در این میان مهم است این است که رابطه دوستانه بین دختر و پسر رابطه‌ی سالمی باشد و به نحوی نباشد که باعث آسیب روانی، بی‌اعتمادی نسبت به جنس مخالف، شکستن هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و دینی و ایجاد مشکل برای خانواده‌ها شود. و از سوی دیگر روابط ناسالم بین این دو جنس نیز می‌تواند بسیار بسیار مخرب و ویران‌گر و عاملی برای ایجاد نابهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی و به وجود آمدن خانواده‌های نابهنجار باشد.

با توجه به اینکه وجود رابطه بین دختران و پسران امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما آیا افرادی که رابطه‌ای فراتر از روابط اجتناب‌ناپذیر دارند (رابطه دوستانه) این رابطه را سالم ارزیابی می‌کنند یا ناسالم؟ تحقیق انجام شده نشان می‌دهد که ۸۱ درصد پسران و ۶۴ درصد دختران روابط بین دو جنس را در جامعه ناسالم ارزیابی می‌کنند و در این مورد خود فرد را مسئول اصلی می‌دانند و آموزش مطلوب جنسی و ایجاد امکانات برای ازدواج را راه‌حل این معضل می‌دانند (طاهرپور، باغگلی، حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

از موارد دیگری که می‌تواند رابطه سالم بین دو جنس را افزایش دهد می‌توان به اطلاع خانواده‌ها از این روابط و دادن راهنمایی‌های لازم به آنان و نظارت بر آن‌ها، پرهیز از هر نوع رابطه جنسی قبل از شناخت کافی نسبت به یکدیگر و اقدام رسمی برای ازدواج اشاره کرد؛ زیرا در صورتی که غیر از آن چیزی که بیان شد اتفاق بیفتد، ممکن است بعد از آشنایی عمیق‌تر به این نتیجه برسند که مناسب هم‌دیگر نیستند و به علت رابطه جنسی مجبور به ازدواج شوند و در نتیجه یک خانواده آسیب‌پذیر را به وجود آورند. همچنین در این رابطه می‌توان به رعایت ارزش‌های اخلاقی جنسی اسلامی از قبیل حجاب و عفاف، خویشتن‌داری، غیرت و حفظ کرامت انسانی، شناخت صحیح جنس مخالف از یکدیگر؛ به این معنی که از خیال‌پردازی و الهه ساختن از یکدیگر یا پایین بردن شأن انسانی یکدیگر به عنوان موجودی صرفاً برای کام‌گیری جنسی پرهیزید.

تأکید بر کنترل درونی از طریق پایبندی به دین به جای اعمال محدودیت‌های صرف، تشکیل جلسات هفتگی خانوادگی به این صورت که افراد آزادانه و بدون دغدغه خاطر به بیان مسائل خود بپردازند و کمک والدین در حل مشکلات فرزندان، برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل و موارد دیگر اشاره کرد. اما علاوه بر آنچه ذکر شد مشکلی که امروزه در ایجاد

روابط سالم بین دختر و پسر وجود دارد، تغییر کردن ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به سطح و انتظاراتی است که افراد نسبت به این روابط دارند؛ مثل در دو دهه قبل، تنها انگیزه دختران از دوستی با جنس مخالف را میل به ازدواج و رسیدن به ثبات و پایداری در عشق و تشکیل خانواده رقم می‌زد، اما امروزه علاوه بر مسئله ازدواج و آشنایی با روحیات جنس مخالف، تفریح و وقت‌گذرانی و ارضاء نیازهای جنسی از دیگر انگیزه‌های این روابط است (طاهرپور، باغلی، حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۲). (البته این گفته در مورد همه‌ی دخترها صدق نمی‌کند و بعضی از دخترها هدفشان از رابطه با جنس مخالف فقط کمبود محبت است).

بر اساس تحقیقی که توسط سازمان ملی جوانان در این زمینه از پسران و دختران مجرد بین ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران که مراتبی از رفتار جنسی خفیف تا کامل را تجربه کرده بودند صورت گرفته است، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ۳۹/۵ درصد پاسخگویان انگیزه خود را از دوستی با جنس مخالف در وهله‌ی اول ارضاء نیازهای جنسی خود و ۲۹/۱ درصد در وهله دوم آشنایی با روحیات جنس مخالف ذکر کرده‌اند، ۲۸/۶ درصد در وهله سوم تفریح و وقت‌گذرانی و ۲۷/۹ درصد در آخر آشنایی برای ازدواج.

در رابطه با مطلع بودن والدین از دوستی فرزندانشان با جنس مخالف ۶۰/۸ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که والدینشان از روابطشان با جنس مخالف مطلع‌اند و در این میان پسران بیش از دختران روابط خود را با والدینشان در میان می‌گذارند. هر چند که ۵۴/۶ درصد دختران روابط خود را با والدینشان در میان می‌گذارند، اما این درصد در میان پسران بیش از دختران است. مطلع بودن والدین از دوستی فرزندانشان با جنس مخالف نشانه‌ای بر پذیرش تغییرات ارزشی در جامعه از سوی والدین است. (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۱). بنابراین گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر از جمله عوامل دیگری است که باعث کاهش گرایش به ازدواج شده است.

### ۲-۳) گسترش فرهنگ تکاثر و تفاخر

تبلیغ زندگی تجملی و پر زرق و برق توسط رسانه‌های گروهی باعث ظهور الگوهای رفتاری جدید، تمایلات و نگرش‌های تازه می‌شود که تعادل ذهنی و فرهنگی جامعه را بر هم می‌ریزد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوان‌ها لازم است و جوان‌ها آن را می‌خواهند؛ اما موانعی هم وجود دارد؛ ولی همه‌ی موانع اقتصادی نیست، موانع اقتصادی بخشی از مشکل است؛ عمده موانع فرهنگی است - عادت‌ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم و هم چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها - اینهاست که یک مقدار نمی‌گذارد آن کاری که باید انجام گیرد صورت بگیرد، باید خود شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید. من از این ازدواج دانشجویی که هر سال برگزار می‌شود؛ بسیار خشنود و خرسندم. اگر عادت کنند که ازدواج‌ها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام بدهند، فکر می‌کنم خیلی از مشکلات حل خواهد شد. اساس ازدواج در اسلام بر سادگی است. در اوایل انقلاب هم همین‌طور بود؛ منتها متأسفانه این فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری یک مقدار کار را مشکل کرد؛ متأسفانه بعضی از مسئولان هم با ازدواج‌های خانواده‌هایشان مشکلاتی را درست کردند (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳). ازدواج در این نظام فرهنگی صورت معامله به خود گرفته و وقتی ازدواج به قصد معامله صورت می‌گیرد طبیعتاً میزان مهریه، جهیزیه، خرید برای عروس و ... همه با

ویژگی فردی و خانوادگی دختر و همچنین در رابطه با یکدیگر سنجیده می‌شوند و شبیه ازدواج‌های خرید و فروشی می‌شود که در آن دختر به فروش خود به قیمت بالا مفتخر است و مرد به خرید دختر همراه جهیزیه زیاد افتخار می‌کند. از سوی دیگر؛ اگر چه مسائل اقتصادی مانند نحوه امرار معاش و گذران زندگی و داشتن مسکن برای شروع یک زندگی، مهم است اما این عوامل باعث ایجاد موانع مهم‌تر و بزرگتر و در عین حال غیرضروری و کم اهمیت می‌شود، به عنوان مثال؛ مسائلی همچون ادامه تحصیل، میزان مهریه، میزان و نوع جهیزیه، عدم وجود روحیه‌ی قناعت، اکنون به صورت پدیده‌های باز دارنده‌ی ازدواج در پشت‌مشکلات اقتصادی قرار دارند و آرام آرام به صورت یک ساختار فرهنگی شکل گرفته‌اند و به یک فرهنگ تبدیل شدند (مقدس جعفری، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

#### ۴- موانع حاکمیتی ازدواج

در میان موانع حاکمیتی ازدواج می‌توان به موارد زیر اشاره کرد ۱- بی‌توجهی مسئولان مثل عدم حمایت از ازدواج‌های ساده ۲- جدی نگرفتن این موضوع در موارد درسی آموزشی اعم از دبیرستان و دانشگاه ۳- عدم وجود اولویت استخدام برای متأهلین جوان ۴- عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک به زوج‌های جوان ۵- آسان نبودن پرداخت وام مورد نیاز و بالا بودن میزان پرداختی ماهانه ۶- عدم اعطای امتیاز به سربازان متأهل مثل تخفیف در مورد طول خدمت نظام سربازان متأهل ۷- کافی نبودن مراکز تخصصی مشاوره کارآمد در زمینه ازدواج ۸- عدم ساخت فیلم‌های مناسب با محوریت ازدواج موفق و پخش در رسانه ملی ۹- عدم برگزاری نشست‌های تخصصی در زمینه ازدواج ۱۰- و عدم وجود سازمانی خاص در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده (طیبی نیا، ۱۳۹۲: ۸۶-۶۳).

#### نتیجه‌گیری

علی‌رغم پیشینه قوی اقدام به ازدواج و حفاظت از آن در سنت و سیره بزرگان اسلام و متون دینی‌وریشه دوانیدن این فرهنگ دینی در ساختار و فرهنگ حیات اجتماعی مردم ایران زمین، ما شاهد تضعیف و اقدام به موقع این مسئله در جامعه ایرانی هستیم. ما در این مقاله به بررسی موانع و علل به تأخیر افتادن ازدواج در ابعاد فردی، فرهنگی، اجتماعی و حاکمیتی پرداختیم و به این نتیجه نهایی رسیدیم که تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و ایدئولوژیکی در پی وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری مدرنیته در غرب، تحولات اساسی را در سراسر جهان به وجود آورد، وقوع مدرنیته و تحت تأثیر آن فرآیند مدرنیته شدن در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، نهاد ملی اجتماعی همچون خانواده را تحت تأثیر قرار داد و این تحولات مشکلاتی را در این حیطه برای جوانان ایرانی به ارمغان آورد که با آسیب‌شناسی هر یک قابل جبران است. بنا براین با توجه به مشخص شدن عواملی که باعث کاهش گرایش جوانان به ازدواج می‌شود؛ اکنون می‌توان متناسب با مشکلات، راه‌هایی را در چهار محور فردی، اجتماعی، فرهنگی، حاکمیتی برای گسترش ازدواج آسان و به تبع آن افزایش ازدواج ارائه داد.

الف) محور فردی: در بعد فردی به بیکاری و عدم استقلال اقتصادی، پیامدهای ادامه تحصیل، تغییر در معیارهای ازدواج، مشکلات خانوادگی و توهمات و عدم صلاحیت جوانان اشاره کردیم که متناسب با هر کدام راهکارهایی ارائه می‌شود که عبارتند از: ۱- تفکیک بین ازدواج و استقلال مالی ۲- فراهم نمودن بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری در رابطه با اشتغال ۳- جلوگیری از رشد

ناهنجار و بی‌رویه قیمت مسکن ۴- ایجاد بینش معنوی و الهی در نسل جوان برای توکل بر خداوند و وعده الهی در مورد غنی ساختن بندگان در حال ازدواج ۵- استفاده از آموزش‌های دینی برای تشویق افراد خیر برای مهیا کردن امکانات برای شروع زندگی مشترک و همچنین گسترش مراکز مشاوره رایگان در ارتباط با ازدواج در سراسر کشور.

ب) محور اجتماعی: در بعد اجتماعی به تحول خانواده و گسترش شهرنشینی و تحولات جمعیتی دهه ۶۵-۵۵ اشاره شد که در این زمینه راهکارهای زیر ارائه می‌شود: ۱- مدیریت تحولات اجتماعی ۲- فرهنگ‌سازی در زمینه کم بودن فاصله سنی میان دختر و پسر و تشویق ازدواج با همسالان.

ج) محور فرهنگی: در بعد فرهنگی از دو مشکل گسترش اخلاق نوین جنسی و گسترش فرهنگ تکاثر و تفاخر نام برده شد که متناسب با هر کدام راهکارهایی ارائه می‌شود: ۱- نشر و گسترش اخلاق جنسی اسلامی یعنی نهادینه کردن حجاب، عفاف، خویشتن‌داری و غیرت در جوانان ۲- مبارزه با فرهنگ تکاثر و تفاخر از همه طرق ممکن.

د) محور حاکمیتی: در بعد حاکمیتی نیز به سخت بودن مراحل وام پرداختی و عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک و کم نکردن مدت سربازی و عدم اولویت استخدام به متأهلین و عدم گنجاندن دروس آموزشی مورد نیاز در زمینه ازدواج در برنامه درسی دانش‌آموزان دوره متوسطه و دانشجویان، اشاره شد بنابراین دولت و حاکمیت با تدابیر هوشمندانه خود و با تصویب قوانین مناسب در زمینه تشویق جوانان به ازدواج و رفع محدودیت‌ها و موانع، می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود، مثل اصلاح مقررات اعطای تسهیلات بانکی و تسریع در روند آن در زمینه وام‌های خوداشتغالی خرید مسکن، خرید کالا و اولویت بکارگیری جوانان متأهل در امور استخدامی و همچنین برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی به منظور رشد و توسعه زمینه‌های اجتماعی و صنعتی از جمله فعال کردن سرمایه‌های راکد و سرگردان بخش خصوصی تا فرصت‌های شغلی بیشتری در جامعه ایجاد شود و همچنین ایجاد نظام تشویقی برای خانواده‌هایی که مهریه‌های معقول و مناسب‌لحاظ می‌نمایند و عدم ثبت ازدواج‌هایی با مهریه‌های بسیار بالاتر از عرف و تدوین برنامه درسی با عنوان جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج به جای تنظیم خانواده در مدارس متوسطه و دانشگاه‌ها به صورت عمومی و فراگیر برای تمامی رشته‌ها و همچنین گسترش رشته مطالعات خانواده در دانشگاه‌ها. بنابراین باید شرایطی در جامعه فراهم شود که تشکیل خانواده و گرایش به ازدواج مزیت‌ها و منفعت بیشتری برای جوانان نسبت به مجرد داشته باشد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۵) «جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر»، تهران، انتشارات روشنگران، ص ۱۶۸-۱۹۰.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۰) «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، تهران، انتشارات مدرسه، ص ۱۵۰-۱۳۲.
۴. بانکی، -----، مؤسسه تحقیقات و معارف اهل بیت، موانع و مشکلات ازدواج و راه‌های برخورد با آن [www.ahlolbait.com](http://www.ahlolbait.com)، ۱۳۹۳/۱۲/۷، ۱۴/۱۱/۹۴.
۵. جعفری مؤدبی، افشین (۱۳۸۲) «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، فصلنامه پژوهشی زنان، شماره ۵، ص ۸۳-۱۰۴.
۶. خبرگزاری مهر، جدیدترین آمار ازدواج و طلاق در سال ۹۴، [www.tik.ir](http://www.tik.ir)، ۳/۸/۹۵/۱۱/۳۰۹۵، ۷. خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، آمار مجردین ایران، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، ۳/۱۷/۹۳، ۱۷/۱/۹۴، ۸. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) «بررسی رفتارهای خطرناک جوانان با تأکید بر روابط جنسی آزاد (مطالعه موردی، شهر تهران)»، ص ۷۱-۹۰.
۹. زینتی، علی (۱۳۸۴) «فلسفه ازدواج در اسلام و مسیحیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، ص ۲۲۷-۱۹۷.
۱۰. شرفی، محمدرضا؛ طاهرپور، محمدشرف (۱۳۸۷) «راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش ازدواج آسان با تأکید بر رویکرد اسلامی»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۷۳-۵۳.
۱۱. صالحی، محمد (۱۳۸۵) «تجلیل فقهی و حقوقی نکاح قبل از بلوغ در حقوق ایران و اسلام»، فصلنامه کانون وکلا، شماره ۱۹۴ و ۱۹۵، ص ۱۵۰-۱۳۵.
۱۲. طاهرپور، محمدشرف؛ باغلی، حسین (۱۳۸۶) «بررسی نگرش و عملکرد دانشجویان در مورد رابطه با جنس مخالف، خلاصه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی»، تهران، انتشارات دانشگاه شاهد، ص ۲۲۲.
۱۳. طیبی‌نیا، موسی (۱۳۹۳) «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان، شماره شانزدهم، ص ۸۶-۶۳.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) «اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب»، قم، انتشارات صدرا، ص ۳۳.
۱۵. مقدس جعفری، علی (۱۳۸۵) «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت»، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲، ص ۱۰۳-۱۲۰.
۱۶. ناستی‌زاده، ناصر (۱۳۸۵) «موانع ازدواج دختران»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، سال سوم، ص ۱۰۷-۹۱.